

حرف درشت

انواع بیماری‌های قلم

پوریا عالمی

● سعید مرتضوی درباره مبلغ بالای چکی که برای بابک زنجانی امضا کرده است، دلیل محکمه‌پسندی آورده: «شب بود، آخر وقت بود، خسته بودم، سهو قلم پیدا کردم».

در همین رابطه انواع مسائل قلم را بررسی کردیم:

قلم‌روی: وقتی قلم شما دچار این حالت می‌شود و مدام باید جوهرش را خالی کنید، در نتیجه زیر یک‌عالمه برگه را امضا می‌کنید و یکهو چندتا روزنامه و مجله تعطیل می‌شوند.

مرض قلم: وقتی قلم شما مرض دارد و هی شما با قلمتان دیگران را مریض و ناخوش می‌کنید.

قلم‌لرزه: وقتی قلم شما ترسیده و می‌لرزد و زیر هر برگه‌ای را که جلوش بگذارند امضا می‌کند.

قلم‌پیچه: وقتی دل و روده قلم شما ریخته به‌هم و نمی‌تواند جلوی خودش را نگه دارد و هرچه می‌نویسد به یک فاجعه برای جامعه تبدیل می‌شود که جامعه هر کاری کند نمی‌تواند اثرات آن را پاک کند.

قلم‌گیجه: وقتی قلم شما سرگیجه گرفته و دور خودش می‌گردد.

قلم‌فوبی‌با: وقتی شما دچار ترس از قلم هستید و با قلم به هر کسی که قلم دستش است حمله می‌کنید.

قلم‌درد: وقتی قلم شما از کارهایی که شما باهاش کردید سردرد گرفته و به باعث‌وبانی‌اش که خود شما باشید درود بی‌پایان می‌فرستد.

قلم‌خوردگی: وقتی قلم شما لخت رفته قاطی برگه‌ها و چک‌ها و دچار سرماخوردگی شده و آب بینی‌اش راه افتاده و می‌ریزد روی محل امضای چک‌ها و برگه‌ها.

قلم‌شکسته: وقتی یک قلم می‌تواند با یک امضا زیر یک برگه، قلم شما را از وسط بشکند و شما باز خدا را شکر می‌کنید کردن شکسته نشدید.

قلم‌ پا: وقتی یک قلم می‌تواند با یک امضا زیر یک برگه، پای هر کسی را که قلم به دست دارد قلم کند. **قلم‌زیت:** وقتی قلم شما دچار سردرد مزمن شده است.

سهم قلم: وقتی قلم شما حالش کاملا خوب است، اما مثل چپای که درس نخوانده و نمی‌خواهد برود مدرسه امتحان بدهد، صبح سهواً می‌گوید دچار کسالت شده است و خب اولیای محترمش هم چون وی دردانه است، می‌گویند: «نمی‌خواد امتحان بدی عشقم... بمون خونه استراحت کن... ما زنگ می‌زنیم مدرسه می‌گیرم از تو امتحان نگیرند...».

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۵ دی ۱۳۹۶ • ۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ • ۲۶ دسامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۴۴ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۸ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com



خوش استایل با استایلر

نوآوری ال‌جی برای مراقبت از لباس

LG styler

- طراوت و خوشبویی لباس
- مراقبت بهداشتی و آلرژی زدایی
- خشک کن ملایم و ترمیم خط اتو

گلستران
روی خوش زندگی



مرکز ارتباط مشتریان (۲۴ ساعته بدون تعطیلی) ۰۲۱-۸۴۷۳۳۳

www.lg.com/ir
www.goldiran.ir



آکادمی

در بزرگداشت بزرگمرد عرصه پزشکی، دکتر «علیرضایلدا»

یلدای زندگی

شده است. صبح‌ها در خیابان استاد قریب با هم هم‌مسیر بودیم. یک روز دیدم، قوری‌ای در دستشان هست و وقتی ماجرا را پرسیدم، فرمودند که قوری بخش را دزدیده‌اند و من این قوری را از خانه آوردم. انکار قوری را به خانه خود می‌برد. فقط همین روحیه و بینش بود که سبب شد تا «یلدا» عمری را در بیمارستان و بر بالین بیماران بگذراند. همان‌طور که گفتم، «یلدا» وجودی بسیار مهربان و بزرگوار داشت. این خصلت در همه استادان بخش عفونی، ساری و جاری بود و کاملاً یادآور این موضوع بود که آب از سرچشمه زلال است. اصلاً نمی‌شد شاگرد «یلدا» کسانی چون «یلدا» به همگان متذکر می‌شود که پزشکان ما دست‌پورده کسانی چون استاد «قریب» و استاد «یلدا» هستند و نورهای وجود چنین استادانی در میان این شاگردان ندایم یافته است؛ پزشکانی که بی‌هیچ ادعایی به درمان بیماران پرداخته و آرزویی جز بهبود بیماران خود ندارند. یادش جاوید و راهش پررهور باد.

پیشخوان

برگزیدگان نهایی جایزه احمد محمود



مراسم اختتامیه نخستین دوره جایزه احمد محمود، دوشنبه، چهارم دی‌ماه، هم‌زمان با سالروز تولد این نویسنده بزرگ معاصر، در خانه هنرمندان برگزار شد. این جایزه شامل دو بخش رمان و داستان کوتاه است و در نخستین دوره آن آثاری که در سال ۹۵ منتشر شده‌اند مورد بررسی داوران این جایزه قرار گرفتند.

در مراسم نهایی جایزه احمد محمود، رمان «یک پرونده کهنه» رضا جولایی که از سوی نشر آموت منتشر شده، به‌عنوان رمان برگزیده این جایزه معرفی شد. همچنین در بخش مجموعه‌داستان، دو کتاب «بی‌باد، بی‌بارو» فریا وفی و «همین امشب برگردیم» پیمان اسماعیلی که هر دو از سوی نشر چشمه به چاپ رسیده‌اند، به صورت مشترک به‌عنوان آثار برگزیده این بخش انتخاب شدند.

سلام به فردا

خبر این است

رفتن خبر نمی‌کند، خداحافظی کنید

شهری را در حوزه‌های مختلف مورد عنایت قرار داده است و می‌داند اگر مردم ناگهان گریزا شدند و دار و ندارشان را بر زمین گذاشتند، خیال‌شان راحت است که آسیبی به داشته‌هایشان در خانه‌های خالی نمی‌رسد. یا ستاد بحران خبر می‌دهد که آمادگی ما برای ظرفیت‌های دفاعی در شهر در قبال جمعیت شش‌میلیونی، به اندازه ۶۰۰ هزار نفر است و به‌علاوه، موکول به این است که ۶۰۰ هزار نفر خود را در موقعیتی قرار داده باشند که دسترسی امدادگران به آنها آسان و محتمل و به‌هنگام باشد. اگر نیست، ستاد بگوید که مردم، از ما کاری ساخته نیست! و چون به این دلایل روشن از ما کاری ساخته نیست، خطر فقط گریز و فرار نیست، راه‌بندان و سکنه قلبی و آتش‌سوزی ناشی از ترکیدگی لوله‌های گاز نیز هست. بنابراین شما خود مراقب و آماده دفاع باشید. هر خانه و هر بلوک و هر کوچه یک کمیته حمایتی هدایتگر تشکیل بدهد که خود آن در بحران‌ها وارد عمل شود.

یا کمیته‌های محلی یا شورایی‌هایی که در سطح شهر وجود دارد، اطلاع‌رسانی کنند و یک راهنمای عمل به سکنه تهران بدهند که اگر زلزله بیاید، این کارها را انجام دهد؛ چون از ما کاری ساخته نیست، بنابراین سعی کنید هر خانه و بلوک تمرین کند و مانور خانوادگی یا بلوک ساختمانی یا برج‌ها را خود انجام بدهد. به باور من، وقتی چنین اتفاقی بیفتد، وقتی اذعان شود که توانایی‌های ما محدود و ناقیز و حداقلی است و خود مردم ناچارند از خود دفاع کنند و ۹۹ درصد کار، دفاع شخصی است، جامعه هم خود را مهیای این اتفاق خواهد کرد.

اطلاع‌رسانی و پردازش اطلاعات و دانش‌افزایی راجع به دو بحران آلودگی هوا و زلزله که وظیفه رسانه است، قطعاً و یقیناً باید به کمک کارشناسان، آسیب‌شناسان، جامعه‌شناسان و مسئولان و متولیان صورت بگیرد که قضاوت‌های شتاب‌زده، عجولانه و خودسرانه با به میدان نکشدار و شایعه‌سازی دامنه پیدا نکند. شایعه در جایی شکل می‌گیرد که بیشتر وجود دارد. اگر مسئولان به‌هنگام، واقع‌بینانه و مشفقانه توضیح بدهند و از مردم کمک بخواهند که در این اتفاق سهیم و دخیل باشند، بعید می‌دانم مردم همراهی نکنند. مردم در زلزله سرریل‌ذهاب نشان دادند که اهل حمیت و حمایت و همدلی و هم‌دردی هستند، اما برای این کار به سازماندهی نیاز دارند.



عبدالرضا ناصرمقدسبی
متخصص مغز و اعصاب

هرکسی در زندگی‌اش خاطراتی دارد که می‌تواند راهش را تغییر داده و بر همه زندگانی او سایه بیفکند. گاهی ما خاطرات بسیار تعیین‌کننده‌ای داریم؛ یک برخورد یا یک حرف که برای همیشه زندگی ما را دستخوش تغییر می‌کند. از آن پس، همیشه به آن اتفاق فکر می‌کنیم و همیشه معنای جدیدی از آن مستفاد می‌کنیم و این‌گونه زندگی خود را در معرض خلاقیت‌های مکرر قرار می‌دهیم. برخورد با دکتر «یلدا» برای من از همین لحظات و خاطرات تعیین‌کننده است؛ سال دوم رزیدنتی من در دانشگاه تهران بود که این فرصت را پیدا کردم تا برای یک‌ماه به بخش عفونی بیمارستان امام خمینی بروم. راستش را بخواهید بیشتر رفته بودم تا «یلدا» را

هاشور

دردفاع از حق اشتباه

مهزاد الیاسی: زادی اسمیت، نویسنده انگلیسی، اخیراً در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که به این دلیل عضو توئیتر نیست که دوست دارد «حق اشتباه» را برای خودش محفوظ نگه دارد. او می‌گوید: «من تقریباً تمام مدت در حال اشتباه‌کردن هستم. اشکالی ندارد که اشتباه کنی. متوجه هستم که باید در فضای عمومی و سیاسی واکنش «مناسبی» داشته باشم، اما اگر قرار بود از همان ابتدا نظر آدم‌ها را در مورد نوشته‌هایم بدانم، نمی‌توانستم بنویسم». هرکس یک‌بار در توئیتر به‌خاطر واکنش «اشتباه» مورد حمله قرار گرفته باشد، احتمالاً با اسسبیت موافق است؛ هرچند شاید افراد معدودی بتوانند به اندازه اسمیت از حق اشتباه‌کردن دفاع کنند یا با اعتراف به اشتباه، خود را از مهلکه خشم و نفرت کیبوردبه‌دستان بیرون بکشند؛ چراکه در بسیاری مواقع حتی هدف اصلی، اصلاح اشتباه یا اعتراف به آن نیست. ترول‌های خشمگین، بسان زامبی‌های بوی‌خون‌شنیده از همه‌جا روی سر اشتباه‌کننده می‌ریزند و بدون توجه به واکنش او، تکه‌تکه‌اش می‌کنند. این یک واقعیت است که با وجود گستردگی اطلاعاتی که در شبکه‌های اجتماعی ردوبدل می‌شود، کانال‌های ورود اطلاعات کمابیش برای افراد بی‌شماری یکسان است و همین امر به یکدست‌شدن «واکنش مناسب» به یک موضوع منجر می‌شود. در این شرایط، خلاقیت و تفاوت در نوع نگاه به موضوعات مختلف، مستلزم تلاش بیشتری برای حفظ استقلال فردی است؛ موقعیتی که بسیار امکان تبدیل‌شدن به لجبازی و عکس‌العمل عصبی دارد و هیچ چیز به اندازه عصبی‌بودن، ترول‌ها را به اوج لذت نمی‌رساند. گاهی مواقع حمله به اسامی مشخص «ترند» می‌شود و ما بدون توجه به دنباله‌روی توده‌وار، وارد مسیری می‌شویم که از قبل موفقیت تضمین‌شده‌ای دارد و احتمال دیده‌شدن آن بیشتر است. موضع بیشتر افراد نسبت به آزار خیابانی، پرخاشگری در محیط کار یا جلسه سخنرانی، دعوا و خشونت فیزیکی در بحث مشخص است، اما چرا نسبت به پرخاشگری و تخریب در فضای مجازی تا این حد مسامحه‌گر هستیم و بار تخریبگر کلماتی را که خطاب به شخصی واقعی در توئیتر نوشته می‌شود به اندازه کافی سنگین در نظر نمی‌گیریم؟ اکنات‌های خشمگین به ظاهر فرهیخته، احتمالاً در دنیای واقعی به این موضوع توجه می‌کنند که با تمسخر و تحقیر، چهره نامطلوبی از خود به نمایش می‌گذارند، اما چرا نوع دیدگاه اخلاقی‌شان پشت مانیتوری که آنها را از نگاه خیره دیگران محافظت می‌کند، ناگهان تغییر می‌کند؟ تنها کسی می‌تواند حتی در فضای مجازی دست به تحقیر و تمسخر بزند که خود در دنیای واقعی مورد تحقیر و تمسخر واقع شده باشد؛ ازاین‌رو حدس‌زدن این موضوع چندان سخت نیست که بسیاری از اکات‌های پرخاشگر، در دنیای واقعی احتمالاً مآخوذه‌حیا و خجالتی‌تر از چهره مجازی خود باشند. بودن در شبکه‌های اجتماعی موقعیتی امن را در اختیار شخص تحقیر‌شده قرار می‌دهد که بتواند دیگران را با خشم و عصبانیت تحقیر کند؛ دیگر فرقی نمی‌کند که شخص تحقیرکننده تا چه اندازه روشنفکر و «ژورنالیست» و کتاب‌خوان و فاضل باشد و به‌ظاهر از موضع بالا و مطمئن دست به تخریب دیگران بزند. واکنش‌های توده‌ای حمله به صحبت‌های گرییم نه‌چندان قابل‌قبول یک روزنامه‌نگار قدیمی، نویسنده اسابقه با‌کارگردان و بازیگر جاقافتاده سینما (که احتمالاً از بسیاری از حمله‌کنندگان، آثار واقعی بیشتری تولید کرده است)، با دیگر واکنش‌های کورکورانه جمعی در طول تاریخ چندان متفاوت نیست. لگدزدن به شخصی که به‌خاطر موضع اشتباه یا متفاوت گوشه رنگ افتاده، اخلاقی نیست و پوستن به جمع‌کنثیری که در حال زند او هستند افتخاری ندارد. به نظر می‌رسد که زمان تعریف اخلاق جدید برای واکنش‌های احساسی گروهی در فضای مجازی فرارسیده است و باید در مورد اعمال سانسور جمعی بر نگاه‌های متفاوت، بیشتر از این حرف بزنیم.

اینکه درباره آلودگی چه باید کرد و راه برون‌رفت منطقی از آن چیست، اگر پای زلزله در میان است، با حفظ مصالح ملی، امنیت ملی و امنیت روانی مخاطب -که خیلی مهم است- می‌توان اطلاع‌رسانی منطقی، مستدل و موجه کرد که این امکان وجود دارد که ناگهان بار دیگر با زلزله روبه‌رو شویم، اما نگران نباشید! اگر چنین اتفاقی در پیش است، تمهیدات و تدارک ستاد بحران و مسئولان کشوری و لشکری تعریف شده و پذیرفته و برنامه‌نویسی شده است و سیستمی و سازمانی است. یعنی ستاد مربوطه، پدیده دفاع